

بسمه تعالی

حضور محترم استاد بزرگوار آیت الله حاج شیخ علی صفهانی^۱ است برکت

با عرض سلام به استحضار می‌رسانیم که در تاریخ ۱۴ و ۱۵ آبان ۱۴۰۴ قرار است همایشی برای تجلیل از بایزید بسطامی و ابوالحسن خرقانی تحت عنوان «معلمان دین و اخلاق» در شهرستان شاهرود برگزار کنند خواستیم نظر مبارک را در مورد بایزید و خرقانی و این همایش جویا شویم.

جمعی از شاگردان شما

۵ جمادی الاول ۱۴۴۷

پاسخ:

بسمه تعالی

شکی نیست که بایزید بسطامی و ابوالحسن خرقانی این دو زندیق و شیطان بزرگ از سران صوفیه خذلهم الله می‌باشند صوفیه ای که در روایات به شدت مورد طعن و لعن قرار گرفته اند تا جایی که رسول خدا ﷺ فرمود:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَخْرُجَ قَوْمٌ مِنْ أُمَّةٍ أَسْمَهُمْ صُوفِيَةٌ لَيْسُوا مِنِّي وَهُمْ يَهُودٌ أُمَّةٍ،
بل هم اضل من الكفار و هم اهل النار^(۱) یعنی: قیامت بر پا نمی‌شود مگر اینکه قومی از
من با نام صوفیه خروج کنند، آنان از من نیستند و یهود امت من هستند، بلکه گمراه تر از
کفار و اهل آتش می‌باشند.

و امام رضا علیه السلام فرمود:

«مَنْ ذُكِرَ عِنْدَهُ الصُّوفِيَّةُ وَلَمْ يَنْكُرْهُمْ بِلِسَانِهِ أَوْ قَلْبِهِ فَلَيْسَ مِنَّا وَ مَنْ أَنْكَرَهُمْ فَكَأَنَّمَا
جَاهَدَ الْكُفَّارَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ»^(۲) «هر کس نزد او از صوفیه سخن به میان آید و به زبان
و دل انکار ایشان نکند، از ما نیست و هر کس صوفیه را انکار نماید گویا این که در رکاب
رسول خدا^(ص) با کفار جهاد کرده است.»

و امام هادی علیه السلام فرمود:

الصوفيه كلهم مخالفونا و طريقتهم مغايرة لطريقتنا و ان هم الانصاري او مجوس هذه
الامه اولئك الذين يجهدون في اطفاء نور الله بافواههم و الله متم نوره و لوكره
الكافرون^(۳) یعنی تمام گروه‌ها و فرقه‌های صوفیه مخالف ما هستند و روش آنها با روش ما
مخالف است؛ اینها نصاری یا مجوس این امت می‌باشند. اینان کسانی هستند که با
زبان‌شان برای خاموش کردن نور خدا تلاش می‌کنند در حالیکه خداوند تمام‌کننده نور خود
می‌باشد اگر چه مورد اکراه کفار باشد.

^۱. اثناعشریه شیخ حر عاملی / ۱۶، و ۳۴ و نقدی جامع بر تصوف / ۵۲؛ به نقل از کشکول شیخ بهایی.

^۲. سفینه البحار / ۲ / ۵۷؛ شرح نهج البلاغه خویی / ۴ / ۳۰۴ - نقدی جامع بر تصوف / ۴۹.

^۳. اثناعشریه شیخ حر عاملی / ۲۹، ۱۷ و نقدی جامع بر تصوف بر تصوف / ۴۶.

و امام صادق علیه السلام در پاسخ به مردی که راجع به صوفیه سؤال کرده بود فرمودند:

«أَنَّهُمْ أَعْدَاءُنَا فَمَنْ مَالَ إِلَيْهِمْ، فَهُوَ مِنْهُمْ وَ يَحْشُرُ مَعَهُمْ. سَيَكُونُ أَقْوَامٌ يَدْعُونَ حُبَّنَا وَ يَمِيلُونَ إِلَيْهِمْ وَ يَتَشَبَّهُونَ بِهِمْ وَ يَلْقَبُونَ أَنْفُسَهُمْ بَلْقِبِهِمْ وَ يُؤَوِّلُونَ أَقْوَالَهِمْ. أَلَا فَمَنْ مَالَ إِلَيْهِمْ فَلَيْسَ مِنَّا وَ إِنَّا مِنْهُمْ بُرْءٌ. وَ مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ رَدَّ عَلَيْهِمْ كَانَتْ كَمَنْ جَاهَدَ الْكُفَّارَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ»؛^(۱) یعنی صوفی ها دشمنان ما هستند. پس هر کس به آن ها میل پیدا کند از آنان است و با آن ها محشور خواهد شد. به زودی کسانی پیدا می شوند که ادعای محبت ما را می کنند در حالیکه به ایشان تمایل نشان می دهند، خود را به ایشان تشبیه نموده و لقب آنان را بر خود می گذارند و گفتارشان را تأویل می کنند. بدان که هر کس به آنها میل پیدا کند از ما نیست و ما از او بیزاریم. و هر کس آن ها را رد کند، مانند کسی است که در رکاب پیامبر ﷺ با کفار جهاد کرده است.

و در روایتی امام هادی علیه السلام در مورد صوفیه فرمود:

...فَمَنْ ذَهَبَ إِلَى زِيَارَةِ أَحَدٍ مِنْهُمْ حَيًّا أَوْ مَيِّتًا فَكَأَنَّمَا ذَهَبَ إِلَى زِيَارَةِ الشَّيْطَانِ؛ وَ عِبَادَةُ الْإِوثَانِ وَ مَنْ أَعَانَ أَحَدًا مِنْهُمْ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ يَزِيدَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ ابَاسَفِيَانَ.^(۲)؛ یعنی هر کس به دیدن یکی از آنها برود مرده باشد یا زنده مثل این است که به دیدن شیطان و عبادت بتان رفته و هر کس به یکی از آنها کمک کند مثل این است که به معاویه و یزید بن معاویه و ابوسفیان کمک کرده است.

آری بایزید و خرقانی از سران و رهبران چنین فرقه منحوس و ملعونی می باشند که کلمات کفرآمیز و ضد ضروریات دین زیادی از آنها نقل شده است و مورد شماتت رسول گرامی اسلام و خاندان طاهرینش قرار گرفته اند.

بایزیدی که می گوید: اِنِّیْ اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فاعبدونی.^(۳)

که مولوی هم در مثنوی همین ادعا از او نقل کرده و تأیید می کند، می گوید:

با مریدان آن فقیر محتشم	بایزید آمد که نک یزدان منم
گفت مستانه عیان آن ذوفنون	لا اله الا ها فاعبدون ^(۴)

و به مردم سمرقند گفت: یا قوم، انا ربکم الاعلی.^(۵)

و می گوید: لیس فی جبتی سوی الله.^(۶) و می گوید: سبحانی ما اعظم شأنی.^(۷)

۱. اثنا عشریه/۳۳، نقدی جامع بر تصوف/ ۴۹.

۲. نقدی جامع بر تصوف/ ۴۵.

۳. تذکرة الأولیای عطار/ ۶۸.

۴. مثنوی مولوی - دفتر چهارم.

۵. شرح شطحیات روزبهان/ ۹۹.

۶. مثنوی، دفتر چهارم/ ۷۳۰ بیت ۲۱۲۵.

۷. تذکرة الأولیای عطار/ ۶۹؛ به نقل از متفرقات مرحوم آیت الله العظمی صافی اصفهانی.

و می گوید:

عرش منم، لوح منم، قلم منم، عزرائیل منم، اسرافیل منم، میکائیل منم، جبرائیل، عیسی، موسی، ابراهیم، محمد من هستم.^(۱)

و می گوید:

خدا را در خواب دیدم، به من گفت من تو هستم همانطور که تو من هستی.^(۲) و می گوید: یا من انا انت و انت انا.^(۳)

و می گوید: در دل من هیچ بغضی نیست حتی بغض شیطان.^(۴)

و می گوید:

کسی که علی را از عمر و ابوبکرو دیگران به خلافت شایسته تر بداند هیچ عمل صالحی از او سر نمی زند.^(۵)

و خرقانی که می گوید: با خدا چند مرتبه کشتی گرفتم و در مرحله آخر خدا بر من غالب شد.^(۶)

و شمس تبریزی که وقتی در مورد مولوی از او پرسیدند گفت:

اگر از قولش می پرسی «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»، و اگر از فعلش می پرسی: «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» و اگر از صفتش می پرسی: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، و اگر از نامش می پرسی: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»، و اگر از ذاتش می پرسی: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ».^(۷)

ترویج و تمجید و تبلیغ از چنین شیاطینی چه توجیه شرعی و عقلی می تواند داشته باشد؟!

همایش و بزرگداشت و تجلیل کردن از چنین جرثومه های فساد در این کشور اسلامی و مملکت امام زمان (عج) آن هم، تحت عنوان «معلمان دین و اخلاق»، مصداق روشن ظلم و خیانت به قرآن و عترت و امت اسلامی است.

از آن عمامه به سری که برای خود در مناصب عالی فرهنگی کشور جایی باز کرده، سؤال می کنیم: آیا بایزیدی که ادعا می کند: انا ربکم الاعلی و ادعاهای دیگری که ذکر شد، در نظر شما معلم دین و اخلاق است؟! این دیگر واقعاً تأسف بار و تمسخرآمیز است.

وای به حال اینچنین بی معرفتانی که نان امام زمان (عج) را می خورند و به ساحت مقدس آن حضرت دهن کجی می کنند.

او در بخشی از سخنانش اظهار داشته که:

۱. تحفة الأخیار/ ۲۲۳.

۲. تحفة الأخیار/ ۲۲۳.

۳. به نقل از متفرقات مرحوم آیت الله العظمی صافی اصفهانی.

۴. تحفة الأخیار/ ۱۴۵.

۵. روضات الجنات ۱۷۹/۴ به نقل از صواعق ابن حجر.

۶. تذکرة الأولیاء.

۷. مقالات شمس ۷۸۹/ چاپ دوم.

«باید به مدارس رفت و دانش آموزان و حتی پیش دبستانی ها را با امثال بایزیدها آشنا و معرفی کرد و آنچه آنها نوشتند و گفته اند باید به نسل های بعد منتقل شود و آنها را به معدن حکمت و معرفت وصل کنیم!!!»

از این شیخ و همه جدا شدگان از اهل بیت (علیهم السلام) سؤال می کنیم آیا چنین کفریاتی را می خواهید به نسل های بعدی منتقل کنید!!!

آیا شما معتقدید چنین مفسدانی معدن حکمت و معرفت هستند؟! شما با این تلاش های نامشروع خود از روی علم باشد یا جهل، تیشه به ریشه دین زده اید تا جایی که حتی توحید را که اصل اولی دین است به استهزاء کشانده اید، ضربه ای که این فاسدان و مفسدان از اهل تصوف و عرفان التقاطی به دین و هویت دینی مسلمین زده اند هیچ یک از قدرت های شیطانی بزرگ که دشمنان قسم خورده این مرز و بوم اند نزده اند زیرا که اینان مسخ فرهنگ غنی اسلامی را در سرلوحه زندگی متعفن خود قرار داده اند.

آیا امثال بایزید و خرقانی برای شما معدن حکمت و معرفت اند؟! یا حضرات ائمه معصومین (علیهم السلام)؟ ائمه معصومینی که در زیارت جامعه خطاب به آنها عرض می کنیم: «الْسَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَ مَسَاكِينِ بَرَكََةِ اللَّهِ، وَ مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ»

امام هادی (علیه السلام) در زیارت جامعه خطاب به آنان که خود را از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) جدا کرده اند و به صف مخالفین پیوسته اند، می فرماید: «وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَ فَارَزَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ» و می فرماید: «مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوِيَهُ، وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوِيَهُ، وَ مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، وَ مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ».

ای بی خبران، وادادگی و مستی هم حد و حسایی دارد! این تذهبون؟! اهل بدعت بودن و فاسد و مفسد فی الارض بودن امثال بایزید، حلاج، خرقانی، شمس تبریزی و اتباع آنان اظهر من الشمس است و تجلیل کنندگان از آنها و روندگان راه آنها نیز فاسد و مفسد هستند و در این مسأله هیچ تردیدی نیست، کار به جایی رسیده که حتی ملاصدرا هم از این مزخرفات فریادش بلند شده، می گوید:

... سخن حلاج که گفته «انالحق» یا کفر بایزید که گفت «سبحانی ما أعظم شأنی». چنین

سخنانی ضررش در میان عوام بیشتر از هر زهر کشنده است زیرا چنین کلماتی برای

خودخواهان لذت دارد و هیچ کودن پستی از گفتن چنین کلماتی عاجز نیست. و می گوید:

کسی که چنین ادعاهایی کند کشتن او افضل است از زنده کردن ده نفر.^(۱)

لذا مؤمنین موظفند با افشای چهره حقیقی این مفسدان و بدعت گذاران، کاری کنند که پیروان آنها دیگر طمع برای فساد بین مسلمین و ویران کردن فرهنگ غنی اسلامی نداشته باشند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرَّيْبِ وَ الْبِدْعِ مِنْ بَعْدِي فَأَظْهِرُوا الْبَرَاءَةَ مِنْهُمْ وَ أَكْثَرُوا مِنْ سَبِّهِمْ وَ الْقَوْلِ فِيهِمْ وَ الْوَقِيعَةِ وَ بَاهْتُوهُمْ كَيْلًا يَظْمَعُوا فِي الْفَسَادِ فِي الْإِسْلَامِ وَ يَحْذَرُهُمُ النَّاسُ وَ لَا يَتَعَلَّمُوا مِنْ بَدْعِهِمْ يَكْتُبِ اللَّهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الْحَسَنَاتِ وَ يَرْفَعُ لَكُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ فِي الْآخِرَةِ.^(۲)

یعنی: هر گاه بعد از من، اهل ریب و بدعت را دیدید بیزاری خود را از آنها آشکار کنید، و بسیار به آنها دشنام دهید، و در باره آنها بد بگوئید، و آنها را با برهان و دلیل خفه کنید که (نتوانند در دل مردم القاء شبهه کنند و) نتوانند به فساد در اسلام طمع کنند، و باید مردم از آنها

^۱ . اقتباس از کتاب کسر الاصلانم الجاهلیه.

^۲ . الکافی ۲ / ۳۷۵؛ مرآة العقول ۱۰ / ۴۲۴.

دوری کنند و بدعت‌های آنها را یاد نگیرند، تا خداوند در برابر این کار برای شما حسنات بنویسد و درجات شما را در آخرت بالا برد.

کدام پیرو اهل بی‌تی است که حاضر شود همایش و بزرگداشت بگیرد برای زندیقی که مورد مذمت شدید امام مفترض الطاعه حضرت جواد الائمه علیه السلام واقع شده است و از این ائمه کفر تجلیل کند؟! ادعای شیعه بودن و پیروی از اهل بیت علیهم السلام با پیروی کردن از این مفسدان فی الارض و تجلیل از آنها تناقضی بیش نیست که جز از نادانان و دیوانگان و سفیهان از کسی سر نمی زند.

در روایت آمده که امام هادی علیه السلام روزی ابوهاشم جعفری ^(۱) را دید و به او فرمود:

«چرا با عبدالرحمن بن یعقوب همنشین می شوی. ابوهاشم عرض کرد: او دایی من است، امام فرمود: «عبدالرحمن درباره خدا، سخن نادرست می گوید و ذات پاک خدا را به صورت جسم توصیف می کند، یا با او بنشین و ما را رها کن، یا با ما بنشین و او را رها کن».

ابوهاشم عرض کرد: من عقیده به گفتارش ندارم؟ امام فرمودند: آیا نمی ترسی که عذابی بر او فرود آید و آن عذاب، تو را نیز فراگیرد؟

گردانندگان اینگونه همایش ها که متأسفانه در میان آنها یک عده عوام در لباس اهل علم نیز دیده می شوند چنان در جهل مرکب غوطه می خورند که به طور کلی هویت خود را و دین و ایمان خود را و حتی عقل و وجدان خود را به باد فنا داده اند و برای به دست آوردن نام و نان، ممحض در دنیا و مظاهر فریبنده آن شده اند.

ای و اسفا بر آنان که دین خود را برای دنیای دیگران بر باد داده اند و عاقبت نه دنیا را به دست آوردند و نه آخرت را و در همه چیز ناکام و خسرالدنیا و الاخره. «اللَّهُمَّ لَا تَكْلُنَا عَلَى أَنْفُسَا ظَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا»

ما به مقامات بلند پایه این مملکت و متصدیان فرهنگی آن اعلام می کنیم، این انقلاب که همه به آن دلخوش کرده بودند برای این بود که فرهنگ و جامعه ای بر اساس قرآن و عترت در آن پایه گذاری شود اما اگر بنا باشد که هویت دینی ما را عوض کند و افرادی دنیا پرست، تُنک مایه و جاهل در رأس مراکز علمی و فرهنگی این کشور قرار بگیرند و یک مشت خرافات را از ناحیه سران بی سرو پای صوفیه بی شأن و شعور به نام «معادن حکمت و معرفت» در بین مؤمنین رواج دهند و ایتام آل محمد را از قرآن و عترت جدا کنند، اصل مشروعیت این نظام زیر سؤال خواهد رفت که اگر دیر تکان بخوریم، دیر از خواب بیدار بشویم، این خواب به مرگ تبدیل می شود و ایران به اندلسی دیگر. و ما علی الرسول الا البلاغ.

حوزه علمیه اصفهان - مدرسه صدر بازار

۹ جمادی الاول ۱۴۴۷ ع



^۱. یکی از اصحاب و شاگردان برجسته امام هادی علیه السلام.